

علائم شوک در بازار انرژی

رشد قیمت نفت به محدوده بالای ۸۰ دلار و امید به دیدن قیمت بالای ۱۰۰ دلار می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را بار دیگر رشد دهد. در صورتی که ایران تنها یک میلیون بشکه نفت با میانگین قیمتی ۷۰ دلار صادر کند، درآمد ارزی ایران از جانب فروش نفت در حدود ۴۷۵ میلیارد دلار می‌شود که طی سال‌های اخیر یک رکورد است.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد ناطقی، تحلیلگر اقتصادی در یادداشتی نوشت: در سال ۱۹۷۳ و در پی تحریم آمریکا و همپیمانان اسرائیل از سوی کشورهای عضو اوپک، افزایش قیمت انرژی جهان را با یک بحران بزرگ روبه‌رو کرد و قیمت نفت از حدود ۳ دلار به ۱۲ دلار در هر بشکه رسید. بعد از آن و در پی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ قیمت نفت بار دیگر با شوک جدیدی روبه‌رو شد و به مرز ۴۰ دلار رسید. بعد از گذشت نزدیک به ۴۰ سال از آن اتفاق به نظر می‌رسد جهان بار دیگر با بحران انرژی جدیدی روبه‌رو شده است. حدود ۱۸ ماه پیش بود که افق جهانی نفت به شدت منفی بود و بسیاری از تحلیلگران پایان عصر نفت را پیش‌بینی می‌کردند.

قیمت نفت به محدوده ۲۰ دلار رسیده بود و درآمدهای ارزی ایران از قبال فروش نفت تقریباً صفر شده بود. در آن زمان کمتر کسی فکر می‌کرد بعد از عبور از شرایط کرونا جهان با نفت ۸۵ دلاری روبه‌رو شود و حتی گمانه‌زنی‌هایی از احتمال رشد قیمت نفت به حدود ۱۰۰ دلار نیز شنیده می‌شود. رشد قیمت انرژی محدود به نفت نبوده و قیمت زغال‌سنگ که تا مرز ۶۰ دلار کاهش پیدا کرده بود، اخیراً به محدوده ۲۴۰ دلار در هر تن هم رسید و سقف تاریخی خود را که قیمت حدوداً ۱۳۰ دلاری در سال ۲۰۰۸ بود، شکست. قیمت گاز در اروپا حدود چهار برابر است، کمبود گاز و انرژی البته تنها مشکل اروپا نیست و چین به عنوان گول تجاری دنیا با مشکل شدید تامین برق روبه‌رو است. بیش از نیمی از استان‌های چین با مشکل شدید تامین برق روبه‌رو هستند و به همین دلیل چین محدودیت‌های شدیدی بر تولیدات خود مخصوصاً تولید فولاد خود ایجاد کرده است. در انگلستان مشکل سوخت خودرو جدی شده است و مردم در صف‌های طولانی بنزین می‌ایستند. به نظر می‌رسد جهان با یک بحران بزرگ انرژی روبه‌رو شده است. فریدمن در مقاله جدید خود در نیویورک تایمز زمستان سختی را برای اروپا پیش‌بینی کرده است و ادعا می‌کند ممکن است بحران انرژی جدی‌تر از چیزی باشد که در تصور ماست و منجر به مرگ عده زیادی در اروپا شود.

بحران انرژی یا کمبود جهانی؟

بسیاری از کارشناسان بحران کنونی را تنها مرتبط با بحران انرژی می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد این اتفاق تنها منحصر به تورم نباشد. سطح موجودی خانه‌های قابل فروش در آمریکا به کمترین میزان خود در تاریخ آمریکا رسیده، میزان موجودی انبار شرکت‌های پادشاهی متحد به کمترین میزان خود از زمان ثبت آمار رسیده، اوضاع برای صنعت نیمه‌هادیها حتی کمی پیچیده‌تر است و شما برای دریافت سفارش خود در این صنعت در حدود ۲۰ هفته باید صبر کنید و شرکت‌ها در صف طولانی دریافت محصولات خود قرار دارند. اوضاع برای شرکت‌ها کمی عجیب‌تر است. کمپانی تویوتا اعلام کرده است که برای برخی از مدل‌های لندکروز تا سال‌ها صف خرید مشتریان وجود دارد، کمپانی سونی نیز نزدیک به ۲ سال است که نتوانسته بر تقاضای بازار چیره شود و قیمت فروش PS۵ در بازار در حدود ۳۰۰ دلار بالاتر از قیمت فروش کمپانی سونی است. از همین رو به شیوه قرعه‌کشی‌های خودرویی، خرید PS۵ در غرب به یک رانت تبدیل شده و جوانی توانسته از همین اختلاف قیمت استفاده کند و با خرید و فروش PS۵ در حدود ۷ میلیون دلار درآمد کسب کرده است.

چرا شرکت‌ها کمبود را انتخاب کرده‌اند؟

سوال مهمی که این روزها به ذهن می‌رسد این است که چرا شرکت‌ها در غرب با وجود آنکه قیمت‌گذاری دولتی وجود ندارد و می‌توانند به راحتی قیمت فروش خود را تغییر دهند، از این امکان استفاده نمی‌کنند و به فکر ایجاد صف برای محصولات خود هستند. برای این موضوع گمانه‌زنی‌های زیادی می‌توان داشت؛ اما شاید مهم‌ترین دلیل این باشد که کشور آمریکا نزدیک به ۴۰ سال است که تورم دو رقمی را تجربه نکرده و البته بالاترین رقم تورمی که این کشور تجربه کرده نیز حدود ۱۵ درصد بوده است. از این رو بسیاری از شرکت‌های دنیا تصور می‌کنند شرایط کنونی جهان یک شرایط گذرا است و بعید است قیمت‌های جهانی با تورم رو به‌رو شود.

ریشه کمبود در چیست؟

میلتون فریدمن اعتقاد داشت تورم همیشه یک پدیده پولی است. در طول بحران کرونا بانک‌های مرکزی کشورهایی که پول جهان‌روا داشتند حدود ۹ تریلیون دلار پول چاپ کرده و در اقتصاد جهان تزریق کرده‌اند که البته در این آمار کشور چین هنوز دیده نشده و این تنها پول چاپ‌شده توسط بانک‌های مرکزی است و آمار مرتبط با رشد نقدینگی در این آمار دیده نشده است.

برای آنکه عمق رشد نقدینگی در جهان را بهتر درک کنید باید بگویم نقدینگی آمریکا از ابتدای کرونا تاکنون نزدیک به ۴۰ درصد رشد داشته است! این در حالی است که تولید ناخالص داخلی آمریکا در سطوح پیش از کرونا قرار دارد. در واقع در شرایطی که حجم زیادی پول چاپ شده است، عرضه کافی برای این پول وجود ندارد. شرکت‌ها نیز بین افزایش قیمت و کمبود یک گزینه را انتخاب کرده‌اند. به نظر می‌رسد آنها گزینه «کمبود» را در حال حاضر انتخاب

کرده‌اند.

چاپ پول آمریکا یعنی تورم جهانی

کشورهایی که پول جهان‌روا دارند، با چاپ پول به تورم جهانی دامن می‌زنند. برای درک بهتر این موضوع به این فکر کنید که چاپ پول در ایران منجر به رشد قیمت دلار می‌شود؛ چون افزایش تقاضا ناشی از چاپ پول در ایران منجر به افزایش خرید دلار و در نهایت افزایش قیمت آن می‌شود. اما در آمریکا افزایش چاپ پول منجر به افزایش خرید کالا و خدمات می‌شود؛ با این تفاوت که یک فرد آمریکایی در قبال دلاری که به فروشنده می‌دهد کالا دریافت می‌کند. درواقع آمریکا در ازای چاپ دلار، تقاضای کالاها را در جهان بالا می‌برد و این روند منجر به منفی‌تر شدن تراز تجاری آمریکا می‌شود. در واقع آمریکا در ازای دریافت کالا، به مردم دنیا دلار می‌دهد.

نفت گران ایران را نجات می‌دهد؟

رشد قیمت نفت به محدوده بالای ۸۰ دلار و امید به دیدن قیمت بالای ۱۰۰ دلار می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را بار دیگر رشد دهد. در صورتی که ایران تنها یک میلیون بشکه نفت با میانگین قیمتی ۷۰ دلار صادر کند، درآمد ارزی ایران از جانب فروش نفت در حدود ۵ / ۲۵ میلیارد دلار می‌شود که طی سال‌های اخیر یک رکورد است. از سمت دیگر تحریم نفت ۱۰۰ دلاری کار پیچیده‌تری نیز هست و ایران می‌تواند با ارائه تخفیف مناسب تحریم‌ها را تا حد زیادی دور بزند و صادرات نفت خود را افزایش دهد و بعید نیست مقدار فروش نفت ایران نیز جهش زیادی داشته باشد.

تورم جهانی نزدیک است؟

تورم آمریکا در سپتامبر سال جاری ۴/۵ درصد گزارش شده، از نوامبر سال ۱۹۸۱ تاکنون هیچ‌گاه تورم آمریکا بالاتر از ۱۰ درصد نبوده و تنها در دو دوره کوتاه زمانی در اوایل دهه ۹۰ و سال ۲۰۰۸، تورم به بالای ۵ درصد رسوخ کرده است. اگر آمار با همین روند پیش برود، به زودی تورم آمریکا به بالای ۶ درصد خواهد رسید. اکونومیست عکس روی جلد یکی از شماره‌های اخیر خود را با این سوال طراحی کرده بود. «آیا تورم باز خواهد گشت؟» به نظر می‌رسد شرایط به سمتی رفته که تورم در ایالات متحده اجتناب‌ناپذیر است و فدرال رزرو ابزارهای بسیار محدودی برای کنترل تورم جهانی دارد. از طرفی افزایش نرخ بهره در شرایطی که همچنان نرخ بیکاری در حدود ۵ درصد است، می‌تواند آسیب‌هایی را به این بخش وارد کند و از سمت دیگر ادامه این روند، جهان را با یک بحران تورمی روبه‌رو می‌کند.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: دنیای اقتصاد